

F	Bb	C	Dm
اگر از عاشقی پرسى بدان دلتنگ ان هستم	بيا با من مدارا كن كه من مجنونم و مستم		
F	Bb	C	Dm
اگر از درد من پرسى بدان لب را فرو بستم	بيا با من مدارا كن كه من غمگين و دل فستم		
F	Bb	C	Dm
اگر از همدلى پرسى بدان نازك دلى فستم	بيا از غم شكايه كن كه من همدرد تو هستم		
F	Bb	C	Dm
اگر از زخم دل پرسى بدان مرهم بر ان بستم	بيا از درد مكايه كن كه من محتاج ان هستم		
F	Bb	C	Dm
اخر ز بدى هات بيچاره شكستم (	(مجنونم و مستم به پاى تو نشستم		
F	Bb	C	Dm
اگر از مقصدم پرسى بدان راه رها بستم	برو راه وفا آموز كه من بار سفر بستم		
F	Bb	C	Dm
اگر از عاقبت پرسى بدان از داه تو بستم	برو عشق از فدا آموز كه من دل را بر او بستم		
F	Bb	C	Dm
اخر ز بدى هات بيچاره شكستم	مجنونم و مستم به پاى تو نشستم		
F	Bb	C	Dm
هشيار شدم اخر از داه تو بستم	مجنونم و دستم به دامن تو بستم		
F	Dm	F	Dm
عاشقم و فستم	عاشق	مجنونم و مستم	